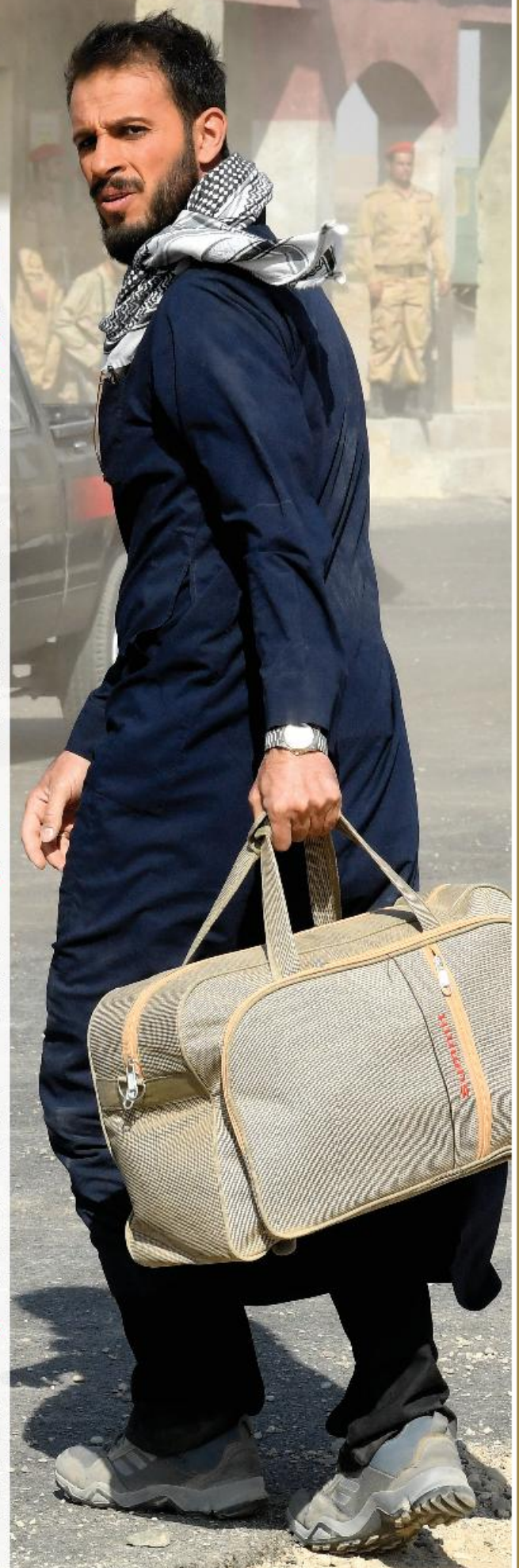


گفت و گوی صبا با تهیه کننده فیلم سینمایی «سرهنگ ثریا»

نمایش کاملی از استبداد



فرهوسندناظر بان -
فیلم سینمایی «سرهنگ ثریا» به کارگردانی لیلی عاج و تهیه کنندگی جلیل شعبانی در روز سوم جشنواره فجر در پردیس ملت نژاد صاحب رسانه اکران شد. «سرهنگ ثریا» نازدترین محصول سازمان هنری رسانه‌ای اوج است که از زاویه‌ای متفاوت به حضور منافقین در بادگان اشرف می‌پردازد. این فیلم با هنر نمایشی زاله صلمتی، وحید آقاپور و... ساخته شده است. لیلی عاج در اولین تجربه خود از مشورت کمال تبریزی در کارگردانی استفاده کرده است. خبرنگار روزنامه صبا با تهیه کننده و کارگردان این فیلم به گفتگو نشست که در ادامه می‌خوانید.

جلیل شعبانی:
گسست روابط خانوادگی
سیبل هدف ترور بست‌ها



با توجه به اینکه لیلی عاج اولین کارگردانی خود را در سینمایی بلند تجربه می‌کند، چطور همکاری تان شکل گرفت؟

سرهنگ ثریا در ابتدا نمایشنامه‌ای به قلم لیلی عاج بود که در صحنه تئاتر هم اجرا شده بود، این نمایشنامه با تحقیقات مفصّلی از خانواده‌هایی که سال‌ها پشت درب‌های بسته اردوگاه اشرف منتظر فرزندان‌شان هستند شکل گرفته بود. روایت این فیلم بر گرفته از داستان دراماتیک مادری است که در انتظار فرزندش می‌سوزد. این نمایشنامه قابلیت تبدیل شدن به سینمایی بلند را داشت، از این رو از کارگردان خولستم این اثر را به فیلمنامه‌باز تویسی کند، در اجرای این نمایش سرمایه‌گذار بودم. نکته‌قلیل توجهی که برایم اهمیت داشت این بود که این اثر بر بنای گزارش‌ها و مصاحبه‌های زیادی که از تک‌تک خانواده‌هایی که عزیزان‌شان در اردوگاه اشرف به سر می‌برند شکل گرفت. حقیقتی از یک برهه تاریخی در ایران که نیاز به بازگویی و بررسی آن از یک زاویه جدید بر مبنای روایت انسانی احساس می‌شد.

فیلمنامه بر مبنای چه الگویی ساخته و پرداخته شد؟
نگارش این اثر با مشورت فیلمنامه‌نویسان صاحب‌اثر و تجربه در پروسه‌ای زمان‌بر اتفاق افتاد.

از چه نهاد یا سازمانی برای تولید فیلم سرهنگ ثریا حمایت گرفتید؟

لیلی عاج از مشاورین هنری هیئت انتخاب سازمان اوج خواست، که اجرای نمایش را ببینند تا در صورت رضایت همکاری برای حمایت از تولید اثر اقدام کنند. در واقع این فیلم سفارشی از سمت لیلی عاج به سازمان اوج بود که از آن حمایت کنند.

روایت این فیلم در برهه چیست؟

ماجرای این قرار است که بعد از سرنگونی دولت صدام خانواده‌ها برای تشویق فرزندان خود برای خروج و فرار از اردوگاه اشرف، در پشت درهای بسته این اردوگاه مستقر شده تا شوق و انتظار خود را برای درآغوش کشیدن اعضای خانواده خود نشان دهند. تلاش این خانواده‌ها از پشت درب برای رساندن صدای‌شان به داخل اردوگاه، نمایش کاملی از استبداد سیستمی و عواطف خانوادگی بود. این فیلم هم ماجرای خانواده‌ای است که سال‌هاست در پشت درب‌های این اردوگاه به انتظار دخترشان نشسته‌اند.

آیا این فیلم با پیشینه‌ای که از یک واقعه تاریخی دارد می‌تواند به بررسی از امروز پاسخ دهد؟

بله، من معتقدم برای پاسخ دادن به چالش‌ها و مشکلات امروزی باید گذشته را از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار داد، در این فیلم از زاویه‌ای به منافقین پرداخته شده است که تا بحال این افراد به این شکل نشان داده نشده‌اند. افرادی که بیشتر به شکل مبارزاتی اسلحه‌به‌دست و تروریست‌نشان داده شده‌اند. در این اثر به ایجاد شکاف‌های ایندولوژیک در خانواده‌ها تفرقه و دوری را ایجاد کرده‌اند.

لوکیشن اصلی فیلم در کجا بود؟

قبلاً قرار بود به خود بادگان اشرف در عراق برویم، اما به علت تغییراتی که در بادگان اتفاق افتاده بود، این امکان میسر نشد و به همین دلیل در شهر تهران زمینی را فراهم کردیم و در آن بنایی را به شکل بادگان اشرف از صفر تا صد ساختیم و آماده فیلم برداری شد.

ارزبانی تان در اکران عمومی فیلم برای مخاطب عام چیست؟

این فیلم به تناسب اینکه علاوه بر موضوع محوری منافقین، به روابط عاطفی مادر و فرزند با درون مایه عشق می‌پردازد قطعاً با مخاطب عام به خاطر تهییج احساس‌ها و عواطف ارتباط برقرار می‌کند. وقصه جذابی از یک انتظار ممتد و اشتیاق را تصویرسازی کرده است. و از همه مهم‌تر که این موضوع دلستلی واقعی است و اتفاق افتاده است.

آیا بلز نمودی از این انفساق تاریخی را در زندگی امروزی دیده‌اید؟

بله، همچنان مشاهده می‌کنیم که بعضی از افراد خانواده توسط برخی گروه‌های تروریستی و یا ایندولوژی‌های تخریب‌گرا مورد فریب قرار می‌گیرند و همین باعث فریب‌ناشی نظام خانواده می‌شود که از مهم‌ترین نظام‌های اولیه زیر ساختی جامعه است و روابط عاطفی خانوادگی آنها در این میان خدشه دار و بی‌گامی کلان‌آزمین می‌رود.

در روند پیش تولید و اخذ پروانه ساخت، آیا با ممیزی و سخت‌گیری هم مواجه شدید؟

قصه این فیلمنامه بر پایه اسنادی معتبر بود و خوشبختانه با شناختی که از قوانین ساخت و شرایط پر دازش ایده در ایران داشتیم، از همان ابتدا اثر را با در نظر گرفتن چارچوب‌های مشخص رایج ارائه کردیم.

آیا همکاری حمایتی با سازمان اوج رضایت بخش بود؟

بله، سازمان اوج تمام‌قد در کنار این فیلم بود. اما انتظار من این بود که وقتی به سراغ سوره‌ای می‌رویم که بخش نهفته‌ای از تاریخ ایران را به تصویر می‌کشد، از حمایت‌های دیگر سازمان‌ها و نهاد‌های دیگر هم برخوردار شویم که متأسفانه همکاری لازم را با ما ندارند. چنانچه اگر این همکاری اتفاق می‌افتاد هزینه‌های که صرف پروداکشن این فیلم شد، می‌توانست در بهبود و ارتقا کیفیت کار کمک کننده باشد. و شاهد اثری با کیفیتی بسیار بالاتر می‌بودیم.

مشکلات پیش آمده در چند ماهه اخیر در پروسه تولید اثر تاثیر گذار بودند؟

بهر حال روند کار را با کمی کندی و توقف روبرو کرد، اما همگی گروه در طول ساخت باعث شد که به جای توجه به حاشیه بر تولید متمرکز شویم، رساندن صدای این خانواده‌های دچار بحران شده به جهان هدف کل گروه شده بود.

صحبت پایانی:

وقتی پروژه‌ای با این موضوع مهم و استراتژیک در این برهه زمانی ساخته و پرداخته می‌شود نیاز به حمایت سازمان‌های دیگر برای هر چه بهتر انجام شدن کار لازم و ضروری است. امیدوارم بعد از این با در نظر گرفتن موضوعات اینچنینی، هنرمندان ما با مشکلات کمتری برای پرداخت هر چه بهتر روبرو و باشند.